

عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

تفسیر تورات

پاراشای هفته: ר'ה 5779

شادמני_جمعی

רבای לرد جاناتان ساکס

Re'eh 5779

Collective Joy

اگر پرسیده شود با چه واژه کلیدی می توان جامعه ای را که یهودیان می رفتند در سرزمین موعود بسازند توصیف کرد، چندین مفهوم به ذهن ما می رسند: عدالت، شفقت، شوکت، احترام، تقدس، مسئولیت، کرامت و وفاداری. اما با کمال تعجب، واژه دیگری در سخنان موسی در سفر دواریم (تثنيه) مرکزیت دارد. این کلمه ای است که تنها یک بار در هر یک از اما همین کلمه دوازده¹ کتاب های دیگر تورات، پیدایش، خروج، لاویان و اعداد، می آید. به کار می رود: کلمه شادمانی. - که هفت بار آن در پاراشای ر'ה می آید- بار در سفر دواریم

¹ Gen. 31:27; Ex. 4:14; Lev. 23:40; Num. 10:10.

این واژه ای غیرمنتظره است. داستان بنی اسرائیل تا اینجا داستانی پراز شادمانی نبوده است. از سویی مُهر رنج بر خود داشته و از سوی دیگر مُهر شورش و چنددستگی. با این حال، موسی با صراحت روشن می کند که شادمانی، ویژگی بارز زندگی با ایمان در سرزمین موعود است. چنین هستند هفت مورد در این پاراشا و پیش زمینه های آنها:

۱- محراب مرکزی که ابتدا در شیلو بود: "آنها را در حضور خداوند، خدای خود تو و خانواده ات خواهی خورد و بر هر آنچه دست بگذاری، شادمانی خواهی کرد، زیرا خداوند، خدای تو برکت کرده است." (تثنیه ۷:۱۲)

۲- اورشلیم و معبد: "و آنجا در پیشگاه خداوند، شادمانی خواهی کرد، خودت، پسران و دخترانت، خدمتکاران و ندیمه هایت و لایوان شهرهایت" (تثنیه ۱۲:۱۲)

۳- غذای مقدسی که تنها در اورشلیم می توان خورد: "این غذاها را در مکانی که خداوند، خدای تو برایت برخواهد گزید، در پیشگاه خداوند، خدای تو بخور؛ خودت، پسران و دخترانت، خدمتکاران و ندیمه هایت و لایوان شهرهایت؛ و تو شادمانی خواهی کرد در پیشگاه خداوند، خدای تو و بر هر چه دست بگذاری." (تثنیه ۱۲:۱۸)

۴- یک دهم دوم: از نقره برای خرید هر چه می خواهی استفاده کن: "گله، گوسفندان، شراب، یا هر شُرب تخمیری دیگر و هر چه می خواهی. آن گاه تو و خاندانت باید آنجا در پیشگاه خداوند، خدای خود بخوری و شادمانی کنی." (تثنیه ۱۴:۲۶)

۵- جشنواره شاوووعوت: "و در پیشگاه خداوند، خدای خود در مکانی که برای سکونت نام خود برخواهد گزید، شادمانی کن؛ خودت، پسران و دخترانت، خدمتکاران، ندیمه هایت و لایوان شهرهایت و غریبان، یتیمان و بیوه زنانی که در میان شما زندگی می کنند." (تثنیه ۱۶:۱۱)

جشنواره سایبان ها (سوکوت): "در جشنواره خود شادمانی کن - خودت، پسران و دخترانت، خدمتکاران و ندیمه هایت و لایوان شهرهایت و غریبان، یتیمان و بیوه زنانی که در میان شما زندگی می کنند" (تثنیه ۱۶:۱۴).

۷- دوباره سوکوت. "هفت روز جشن بگیر برای خداوند، خدای تو در مکانی که خداوند، خدای تو برداشت محصولات و هر چه دست بر آن بگذاری را برکت خواهد کرد، و شادمانی تو تکمیل خواهد شد [vehayita ach same'ach]. " (تثنیه ۱۶:۱۵).

چرا موسی به ویژه در سفر تثنیه بر روی شادمانی تاکید می کند؟ شاید از آن رو که آنجا، موسی در سخنرانی های ماه آخر زندگی خود به چنان اوجی از دوربینی نبوت آمیز رسیده بود که تا آن زمان و اکنون، هیچ کس به آن دست نیافته است. چنان است که گویی ایستاده بر قله ای، سراسر مسیر تاریخ یهود را در برابر چشمان خود دارد و از آن ارتفاع سرگیجه آور، پیامی برای مردمی که گرد آمده اند، می آورد: او فقط قادر است از دور، نسل بعد و فرزندان آنانی که از مصر خارج کرد و مردمی که از رود اردن عبور می کنند را ببیند، اما خودش عبور نکرده، وارد سرزمین نخواهد شد.

آنچه به آنها می گوید غیرمنتظره و حیرت آور است. در واقع چنین می گوید: "شما از علت رنج های پدرها و مادرهایتان آگاه هستید. شما درباره بردگی آنها در مصر شنیده اید. شما خود، دریافته اید که سرگردانی در بیابان، بدون خانمان یا سرپناه و امنیت چگونه است. شاید فکر کنید آنها بزرگترین آزمون ها بودند، ولی در اشتباه هستید. شما آزمون سخت تری پیش رو دارید. آزمون حقیقی وقتی است که امنیت و رضایت دارید."

هرچند این سخن به نظر بیمعنا می رسد، ولی در طول تاریخ یهود، درستی آن اثبات شده است. طی قرن ها پراکندگی و آزار از زمان خرابی معبد دوم تا قرن نوزدهم هیچ کس به تداوم نسل

یهودیان شک نکرد. آنها نرسیدند: "آیا ما نوه های یهودی خواهیم داشت؟" تنها از آن زمان که یهودیان در دیاسپورا به آزادی و مساوات دست یافتند و در کشور اسرائیل به استقلال و سروری سیاسی رسیدند، این پرسش برایشان مطرح شد. زمانی که یهودیان چیز زیادی از خدا نمی خواستند، شکر او را گزاردند، به درگاهش دعاخواندند و به نیایشگاه رفتند تا کلام او را شنیده، پیروی کنند. زمانی که برای بسیاری از امور باید شکر خداوند را به جا می آوردند، شمار کثیری به کنیسا و مدرسه یهودی پشت کردند.

موسی برای ناسازه ایمان، بیانی نبوت آمیز یافته بود: سخن گفتن با خدا در میان اشک آسان است. عبادت خدا در حال شادمانی، دشوار می باشد. این هشدار او به مردمی بود که دیگر مقصد آنها، یعنی سرزمین موعود، در دیدرس قرار داشت. به محض رسیدن به آنجا در این خطر فراموش کردن این حقیقت بودند که سرزمین فقط از این رو به آنها تعلق داشت که خداوند به آنان وعده داده بود، آن هم فقط تا مادامی که عهد خود با خدا را به یاد داشتند.

واژه سیمخا را معمولاً شادمانی، خوشی، خوشحالی، خوشبختی، لذت یا سرخوشی ترجمه می کنند. اما در اصل، سیمخا دارای هاله معنایی غیرقابل ترجمه ای است. شادمانی، خوشحالی و لذت مانند هرگونه حالت عاطفی دیگر هستند. این حالت ها به فرد تعلق دارند و می توانیم به تنهایی آنها را حس کنیم. اما برعکس، سیمخا نه یک عاطفه شخصی، بلکه به معنای یک شادمانی جمعی است. سیمخا یک حالت اجتماعی و صفتی برای "ما" است و نه "من". هیچ چیزی به عنوان احساس کردن سیمخا در تنهایی وجود ندارد.

موسی مرتب این نکته را یادآور می شود. او چندین بار می گوید وقتی شادمانی می کنی باید "تو [باشی]، پسران و دخترانت، خدمتکاران و ندیمه هایت و لایوان شهرهایت و غریبان، یتیمان و بیوه زنانی که در میان شما زندگی می کنند."

بن مایه مرکزی پاراشای رنه چنین است: "در مکانی که خداوند، خدای تو برخواهد گزید." چنان که تاریخ یهود در قرون بعد نشان می دهد، در طول سلطنت داوود پادشاه، این مکان، اورشلیم بود که سلیمان، پسر داوود، سرانجام معبد را در آنجا بنا کرد.

آنچه موسی برای نخستین بار می گوید، ایده سیمخا همچون احساس شادمانی جمعی، اجتماعی و ملی است. ملت باید نه فقط در وقت بحران، فاجعه یا جنگ پیشارو، بلکه با شادمانی جمعی در پیشگاه خدا گردهم بیاید. مراسم شادمانی می بایست عمیقاً اخلاقی باشد. این نه تنها یک کنش دینی شکرگزاری، بلکه همچنین گونه ای از هموندی اجتماعی بود. هیچ کس نمی بایست خارج از مراسم شادمانی بماند: نه غریبان، نه خدمتکاران، نه بیگسان (یتیمان و بیوه زنان). موسی بن مایمون در متنی حکیمانه در میشنه توراه این نکته را به نیرومندترین شکل شرح می دهد:

و زمانی که فرد خودش می خورد و می نوشد، وظیفه دارد که غریبان، یتیمان و بیوه زنان و دیگر تهیدستان و شوربختان را سیر کند، زیرا آن کسی که درهای حیاط خود را قفل کرده، خود، همسر و خانواده اش می خورند و هیچ چیزی برای خوردن و نوشیدن به فقیر و تلخکام نمی دهد، غذای او نه شادمانی برای دستور خداوند، بلکه لذت برای شکم خودش خواهد بود. متن مقدس درباره چنین کسی است که می - گوید: "قربانی های آنها برایشان حکم نان عزاداران را دارند و هر چه آنجا خورده شود، آلوده خواهد بود؛ زیرا نان آنها اشتهای آنها را بند خواهد آورد (هوشع ۹:۴). لذت بردن از این دست، آسیب به لذت جویانی از این دست است، چنان که متن مقدس می گوید: "و من مدفوع حیوان به صورت هایتان می پاشم؛ حتی مدفوع قربانی هایتان را." (ملاخی ۲:۳)²

² Maimonides, Mishneh Torah, Hilchot Yom Tov 6:18.

بصیرتِ موسی امروز نیز صادق است. غرب بیش از هر جامعه ای که تا کنون وجود داشته، دارای فراوانی و ثروت است. طول عمر ما بیشتر، استانداردهای زندگی ما بالاتر و دایرهٔ گزینش های ما از آن زمان که انسان های هموساپینس نخستین بار بر پهنهٔ زمین راه رفتند، گسترده ترین است. اما جوامع غربی بر اساس آمارها خوشحال تر نیستند. آشکارترین شاخصه های ناشادمانی - مواد مخدر، الکلیسم، افسردگی، نشانه های فشار روحی، اختلال های خوردن و غیره - بین ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ درصد در فاصلهٔ دو نسل کنونی افزایش یافته اند. چرا چنین است؟

در سال ۱۹۶۸ برای نخستین بار با زنده یاد ربه لویاچر، منمخ مندل شنیرسون، دیدار کردم. آنجا که بودم، خاسیدها داستان زیر را برایم بازگفتند: مردی حدوداً با این کلمات برای ربه نامه نوشته بود: "من افسرده هستم. من تنها هستم. من حس می کنم که زندگی بیمعنا است. من می کوشم دعا بخوانم، اما واژه ها جاری نمی شوند. من به میصواها عمل می کنم، اما ذهنم آرامش نمی یابد. من به کمک ربه نیازدارم." ربه بدون استفاده از حتی یک کلمه پاسخی درخشان به او داد. او فقط دور کلمهٔ اول در هر جمله را دایره کشید و نامه را پس فرستاد. کلمهٔ اول هر جمله "من" بود.

انسان مصرف زدهٔ دوران معاصر در قالب اول شخص مفرد شکل گرفته است: من می - خواهم، من نیازدارم، من باید داشته باشم. بسیاری امور هستند که می توانیم در قالب اول شخص مفرد داشته باشیم، اما سیمخا را نمی توانیم، زیرا سیمخا گونه ای از شادمانی است که ما آنرا با دیگران شریک می سازیم و گونه ای از شادمانی است که به ما دست می دهد، چون دیگران را در آن سهیم ساخته ایم. موسی پیش از ورود بنی اسرائیل به سرزمین خود گفت که این بزرگترین چالش آنها خواهد بود.

رنج ما، آزار و دشمن مشترک، یک ملت را متحد ساخته، آنرا به یک ملت تبدیل می کند. اما آزادی، ثروت و امنیت یک ملت را تبدیل به مجموعه ای افراد منفرد می سازد که هر یک به

دنبال خوشحالی خودش بوده، اغلب نسبت به سرنوشت محرومان، بیکسان، افراد حاشیه ای و تنهامانندگان بی تفاوت می سازد. وقتی چنین اتفاقی می افتد، جوامع شروع به فروپاشی می-کنند. در همان اوج شوکت، روند طولانی زوال آنها آغاز می شود.

موسی گفت که تنها راه پرهیز از چنین وضعیتی به اشتراک گذاشتن شادمانی خود با دیگران است و عبادت خداوند در میانهٔ یک چنین مراسم شادمانیِ جمعی و ملی.³

برکت ها این راه گونه اندازه گیری نمی شوند که ما چقدر داریم، یا خرج می کنیم، یا مالک هستیم، بلکه مقیاس برکت ها این است که ما چه اندازه دیگران را سهم می سازیم. سیمخا نشان یک اجتماع مقدس است. چنین جامعه ای جایگاه شادمانیِ جمعی است.

شبات شالوم



برای دیگر آثار رای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر رای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian

³ جامعه شناس بزرگ فرانسوی، امیل دورکهایم (که پدر، پدربزرگ و جد او همگی ربای بودند)، در *شکل های اولیه زندگی دینی* [ترجمه: Karen E. Fields. New York: Free Press, 1995] استدلال کرد که دین در تجربه "جوشش جمعی" متولد شد که نزدیکی تنگاتنگی با مفهوم توراتی سیمخا دارد.